

اساس سوسیالیسم انسان است! (منصور حکمت)



انترناسیونال: نکته ای که مفسرین غربی بویژه با شکست بلوک شرق بر آن تاکید میگرداند فردیت و اصالت فرد چه در اقتصاد و چه در سیاست است. گفته میشود که نه فقط در اقتصاد نوع شوروی، بلکه در همه کشورهای که در طی دو سه دهه گذشته به نوعی اقتصاد رفاه متکی به نقش فعال دولت در تولید و توزیع و تنظیم مناسبات اقتصادی روی آوردند، افزایش مسئولیت جامعه یا دولت و تضعیف فردیت و رقابت و انگیزه فردی در فعالیت اقتصادی موجب رخوت اقتصادی و مشخصا درجا زدن تکنیکی جامعه میشود. به زعم مفسرین غربی رقابت و فردیت نه فقط رکن جامعه سرمایه داری است، بلکه جزء لاینجزا و غیر قابل

جایگزینی فعالیت اقتصادی انسان بطور کلی است. سوسیالیسم به این متهم میشود که به فرد بی توجه است. جامعه را به فرد مقدم میکند و حتی در صدد یک شکل کردن انسانها و از میان بردن فردیت آنهاست. سوال اینست که اولاً، بنظر شما این مساله چه سهمی در بن بست اقتصادی بلوک شرق داشت و ثانیاً، در سطح کلی تر، رابطه سوسیالیسم و فرد را چگونه تفسیر میکنید؟

منصور حکمت: قبل از هرچیز باید در معنی فرد و فردیت در ایدئولوژی بورژوازی دقیق شد. منظور از فرد در این ایدئولوژی انسان نیست و اصالت فرد نباید معادل اصالت انسان گرفته شود. اتفاقاً این خود جامعه سرمایه داری و تلقی بورژوا از انسان است که از خودویژگی فردی انسانها، از تمام آن مشخصاتی که از هر یک ما انسانی منحصر بفرد میسازد و

مطلبی که میخوانید، یک سوال و جوابی است از نوشته معروف منصور حکمت تحت عنوان (مارکسیسم و جهان امروز) که اولین بار در نشریه انترناسیونال در سال ۱۳۷۰ مصادف با مارس ۱۹۹۷ منتشر شد. این مطلب در جلد هشتم مجموعه آثار منصور حکمت قابل دسترسی است.

با توجه به اینکه اکنون مباحث (مارکسیسم و فردیت) در میان جوانان رادیکال دانشگاه ها گرم است، ما این نوشته منصور حکمت را برای خوانندگان خود انتخاب کردیم. اکتبر به مناسبت هفته منصور حکمت تلاش میکند هر هفته مطلبی از آثار منصور حکمت را مجدداً منتشر کند.

نشریه اکتبر

هویت فردی ما را تعریف میکند، انتزاع میکند و چه در قلمرو مادی و اقتصادی و چه از نظر معنوی و سیاسی - فرهنگی، تصویری بی چهره و فاقد هویت فردی از انسانها بدست میدهد. در این جامعه انسانها نه با هویت و مشخصات فردی شان، بلکه بعنوان محمل انسانی روابط اقتصادی معین با هم روبرو میشوند و به این عنوان با یکدیگر فعل و انفعال میکنند. رابطه میان انسانها صورت و وجهی از رابطه میان کالاهاست و اولین مولفه در تعریف مشخصات فرد رابطهای است که او با کالاهای و پروسه تولید و مبادله آنها دارد. فرد موجود زندهای است که یک مکان اقتصادی را نمایندگی میکند. کارگر حامل نیروی کار بعنوان یک کالا و فروشنده آن است، سرمایه دار تجسم انسانی سرمایه است، مصرف کننده، صاحب قدرت خرید معینی در بازار کالاست. انسان با این ظرفیتها در جامعه سرمایه داری شناخته میشود و

به حساب میاید. وقتی متفکر بورژوا از اصالت فرد و فردیت سخن میگوید، اتفاقاً نه اصالت انسان، بلکه ضرورت انتزاع از مشخصات انسانی خاص هر انسان و ادغام او بعنوان یک واحد، و نه چیزی بیشتر، در مناسبات و معادلات اقتصادی سخن میگوید. اصالت فرد برای بورژوازی یعنی اصالت کالا، اصالت بازار و اصالت مبادله ارزش بعنوان رکن مناسبات متقابل میان

در صفحات دیگر

پیام به مردم سندج

مظفر محمدی

اکتبر می پرسد

عبدالله دارابی

عراق، کردستان عراق، سناریوهای پنهان

این ترفند را خنثی کنیم

مریم افراسیباپور

جواب دندان شکن به ارتجاع در دانشگاه سندج

فرهاد رحیمی

خدامان بازنده (نگاهی به "اصلاح طلبان کرد")

عبدالله شریفی

منصور حکمت را باید شناخت و شناساند!



حسین مرادیگی

(حمه سور)

منصور حکمت البته تنها به هفته منصور حکمت محدود نمیشود، منصور حکمت را هر روز باید شناخت و شناساند و آثار منصور حکمت را نیز هر روز باید خواند و تکنیرو توزیع کرد. بهمین ترتیب هفته بزرگداشت منصور حکمت نیز به ایران و یا خارج کشور محدود نمیشود، چرا که منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری در سراسر جهان است، منصور حکمت متعلق به همه زنان و مردانی است که آزادی و برابری انسان و رهایی از بربریت نظام بورژوازی هدف صفحه ۳

تلویزیون پرتو برنامه های روزانه خود را شروع کرد!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام به مردم سندج

روز انتخابات، به جای صف کشیدن مردم برای رای دادن، روز حلقه زدن کلاه سبزه‌ها و لباس شخصی‌ها و نظامیان رژیم برای حفظ صندوقهای خالی است. اما ما از هر فرصتی استفاده میکنیم تا صندوقها را از دستشان در بیاوریم. روز انتخابات نباید پای صندوقی در خیابانها و محلات شهرهای ما در میان باشد. صندوقها شکسته میشوند. دستی هم که بروی مردم بلند شود شکسته میشود. روز انتخابات ما جمع میشویم تا صندوقها را از دستشان بگیریم و آنها را به خانه بفرستیم.

روز انتخابات ما خیلی کار داریم. بچه‌های محل خیلی کار دارند. این روز همه با هم کار دارند. رژیم میخواهد شب صندوقها را سالم تحویل بگیرد. مهم نیست با چند ورقه رای، مهم این است آنها را سالم تحویل بگیرد. رژیم به رای مردم احتیاج ندارد. این توهین به مردم است.

اما برای ما مهم است که این صندوقها حتی خالی هم برنگردند. روز انتخابات برای ما مردم روز شمردن صندوقهای شکسته شده است. از صندوقهای شکسته صدای "ته" به جمهوری اسلامی در میاید. روز انتخابات رژیم روز رای به انحلال کل رژیم است.

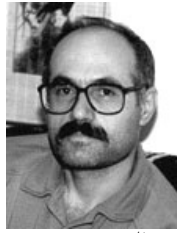
□

عراق، کردستان عراق، سناریوهای پنهان

اجتماعی و ادامه پرده سناریو سبیه و به عنوان جز مکمل اشغال نظامی عراق از خود بروز داد. ظرف ۲ روز شنبه و یکشنبه همین هفته، اجساد ۴۶ نفر را در گوشه و کنار مناطق متروکه بغداد و بعقوبه پیدا کردند. تعدادی از قربانیان را از پشت سر مورد شلیک چندین گوله قرار داده بودند در حالی که دستهایشان از پشت بسته و بر چشمانشان، چشم بند سبیه زده بودند. تعدادی را سر بریده بودند. در همان حال بحث از "نفوذ" تروریستها به کرکوک و انجام عملیات تخریبی و صفحه ۶

شهروندان این مملکت رای به انحلال این رژیم، رای به ختم عمر این نظام داده اند. این رژیم باید برود. همه دستگاههای کثیف این رژیم را باید جارو کرد. همه نهادهای دولتی و پلیسی و تحمیقی از سپاه و حوزه‌های مذهبی و گروههای فشار و نهادهای فوق ارتجاعی باید منحل شوند.

در کردستان انگلهای مرتجعی به نام اصلاح طلبان کرد آمده اند به مردم چه بگویند؟ آمده اند بگویند که این رژیم را باید سر پا نگه داشت. این دیگر کمال بیشرمی و پرویی است. اصلاح طلبی ۲ خردادی سراسری خیری نداد، حال نوبت نوع کردیش است! اینها را باید از شهرها و محلات بیرون کرد. باید بیرونشان کرد. در این روزها باید به روی مبلغین جمهوری ننگین اسلامی و به روی کسانی که میخواهند برایش رای بخرند، تف انداخت. ما از همین حالا حرفهایمان را زده ایم و تصمیم مان را گرفته ایم. تبلیغ برای انتخابات "موقوف! حضور کاندیداها و مبلغینشان در میان مردم ممنوع است. به آنها میگوییم نیاید. اگر بیاید سیلی و تف نصیبشان میشود. تابلوها و دیوار از اوراق تبلیغی و پوستر کاندیداها پاک میشوند. به آنها میگوییم لطفا دیوار شهرمان را زشت و کثیف نکنید. در شهر و شهرهای ما صدای کریه هیچ کاندیدی را تحمل نمیکنیم. هیچ اجتماعی انتظارتان را نخواهد کشید.



مظفر محمدی

دوستان! انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در راه است. اصلاح طلبان کرد هم به کردستان آمده اند. ما هم باید آماده شویم. هم رژیم میدانند و هم مردم که انتخاباتی در کار نخواهد بود. اگر ما آماده تر بودیم این انتخابات را به مراسم کفن و دفن جمهوری اسلامی تبدیل میکردیم. ما از همان روز اول به این رژیم "ته" گفتیم. حالا همه مردم در سرتاسر ایران به این رژیم "ته" گفته و میگویند. هیچ ارگان و نهادی که سرسوزنی با این رژیم تداعی شود، مشروعیت ندارد. ریاست جمهوری در این سیستم یک مترسک بیش نیست. این رژیم را یک عده چاقوکش، آرمکش تروریست و شکنجه گر در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و سپاه پاسداران و با گله ای از بدبخت ترین آدمها به نام انصار حزب الله، لباس شخصی و از این قبیل نگه داشته اند. مجلس و رییس جمهور و قانون و غیره تنها پوششی به ظاهر مشروع بر یک نظام به شدت گندیده و ارتجاعی اند. رژیم میخواهد جانور دیگری را به نام مردم و گویا با رای مردم به نام رییس مملکت به مردم قالب کند. اما



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

دیدار اعلام نشده رایس وزیر امور خارجه آمریکا از عراق، ابتدا با مسعود بارزانی و سپس با سران حکومت انتقالی در بغداد، میتواند نشانه‌هایی از یک سناریو اعلام نشده و مورد

اکتبر می پرسد؟

بیرون حاکمیت مطلقا قابل سنجش نیست. امروزه عمق و دامنه بحران سیاسی رژیم و سطح تنفر و انزجار مردم از آن در عریان ترین شکل خود جریان دارد و می‌رود تا رژیم دینی حاکم بر ایران را برای همیشه از صحنه سیاست جارو کند. صحنه انتخابات این دوره ریاست جمهوری سناریو بحران آخر رژیم را بنمایش گذاشته و تقابل‌های سیاسی-اجتماعی جامعه ایران را بخوبی در خود منعکس میکند. عجز و ناتوانی سران رژیم در عدم جلب توجه افکار عمومی جامعه و کشاندن ایشان به کارزار انتخابات از هیچ کسی پوشیده نیست و عواقب و پیامد های ناشی از صفحه ۵

خادمان بازنده!

(نگاهی به مضحکه انتخابات و جریان موسوم به "اصلاح طلبان کرد")

هم زورشان به امام جمعه شهری نرسید، اربابان نشان حاضر به ملاقاتشان نیستند و غیره

اینجا لازم است به چند فاکتور که امکان پیشروی بیشتر مردم را محرز میکند اشاره کنم. میتوان در این رابطه به عوامل متفاوت و از زاویه متفاوت به این موضوع پرداخت، که من اینجا به ذکر چند فاکتور اساسی که افلاس این دسته، از اینجا رانده و از آنجا مانده را توضیح میدهد، اکتفا میکنم.

همه میدانند که جریان اصلاح طلبان کرد در کش و قوس فضای انتخابات فعال شدند، برطبل قومگیری اسلامی کوبیدند و بر این توهم تکیه کردند و امیدوار بودند که حداقل فضای ناسیونالیسم کرد را با خود همراه کنند تا اهرم فشاری در تقسیم قدرت در آرایش بعدی باشند.

امیدوار بودند که در اوضاع به ریخته نظام اسلامی، مجال ابتکار "دمکراسی قومی" را بدست گیرند، در غیاب مهره اصلی تر در همین بازی انتخابات، بازی داده شوند. اما روند بروفق مراد این دسته نچرخید، شهرهای کردستان در تب و تاب صفحه ۶



عبدالله دارابی

اکتبر: مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در ایران براه افتاده است. بنظر شما مردم در کردستان چکار بایدبکنند؟

عبدالله دارابی: مشخصه انتخابات این دوره ریاست جمهوری در ایران با کمپین تبلیغی ریاکارانه و عوامفریبانه سران جنایتکار هر دو جناح رژیم و همپاله ای های آنان در



عبدالله شریفی

اخیرا در ادامه همان تحركات قبلی حول مسله انتخابات قرار بود که گروه اصلاح طلبان کرد در ایلام جلسه داشته باشند، اما با دو کلمه امام جمعه ایلام ناچار شدند که بساطشان را جمع کنند و بر گردند. متعاقبا از رفسنجانی خواستار ملاقات شدند که او هم حاضر به پذیرفتنشان نشد!

کمتر جریانی را در عالم سیاست میشود پیدا کرد که مانند این دارودسته موسوم به اصلاح طلبان کرد به چنین سرنوشت مفلوک و مضحکی دچار شده باشند. مضحکی داستان اینجا است که این خادمین رژیم جنایت و کشتار، در پوشش "سنی گری" و خدمت به ناسیونالیسم کرد پا به میدان گذاشتند، فکر کردند در این پز بشود شیره سر مردم کردستان مالید و آینده ای هم برای خود دست و پا کنند. اما مردم کردستان اینها را میشناسند، اینها جزو کسانی هستند که در کشتار و ارباب مردم کردستان توسط جمهوری اسلامی سهیم هستند. اینها سریعاً متوجه شدند که در مقابل نفرت عظیم جامعه کردستان قرار دارند، متوجه شدند که سبکتر از آن هستند که فکر میکردند، در درون حکومت

منصور حکمت را باید شناخت...

و امید و آرزویشان است. منصور حکمت بعد از مارکس بدون اغراق تنها کسی است که هیچ چیز نظام بورژوازی را از سیاست و اقتصاد و فلسفه آن گرفته تا فرهنگ و اخلاقیات آن را قبول ندارد، در عین حال برای هر کدام از آنها نیز آلترناتیو کمونیستی طبقه کارگر را در مقابل آن قرار میدهد. کمونیسم منصور حکمت کمونیسم مارکس و کمونیسم پراونیک است. نسخه ای برای نسل فردا نیست، بکه برای همین امروز و جامعه بشری امروز است. نقطه رجوع این کمونیسم جامعه و مردم است، این کمونیسم میتواند و باید اجتماعی شود، میتواند و باید قدرت شود، میتواند و باید در قلمرو سیاست در یک مقیاس اجتماعی و در جلال واقعی بر سر قدرت سیاسی، نیروی تعیین کننده ای باشد و جامعه موجود را تغییر دهد. کمونیسم و سازمان سیاسی کمونیستی غیر اجتماعی و در حاشیه جامعه که در معادلات

قدرت در یک جامعه تاثیر گذار نباشد، بقول منصور حکمت چیزی جز صف خادمان فروتن و بی ادعای معبد تاریخ، قربانیان همیشگی ارتجاع، زندانیان سیاسی ابدی، هشدار دهندگان حقایق به توده هایی که ظاهرا همواره راهی دیگر و رهبرانی دیگر را برگزیده اند، نخواهد بود.

بدور از اغراق، کمتر مساله ایست که به زندگی و آینده انسانهای این جامعه مربوط باشد و منصور حکمت در مورد آن اظهار نظر نکرده باشد و آلترناتیو کمونیستی طبقه کارگر را در مقابل آن قرار نداده باشد. از آزادی بمعنای کامل آن گرفته تا آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی و بیان و عقیده، تا سیاست و اقتصاد و فلسفه و سوسیالیسم و برابری کامل زن و مرد و حقوق کودک و حقوق پناهنده و بلای اعتیاد و لغو اعدای و خرد خرد آنچه که به آزادی و رفاه و زندگی توده کارگر و دیگر انسانهای این جامعه مربوط میشود منصور حکمت نوشته و راه حل چاره ساز آن را نیز در مقابل مردم و جامعه قرار داده است.

هفته منصور حکمت یعنی از روز 4 تا 12 ژوئن روز بزرگداشت و شناساندن و شناختن این متفکر بزرگ مارکسیست تاریخ معاصر است. هفته ایست از سال بطور ویژه تر برای معرفی کارها و آثار منصور حکمت. همانطور که کورش مدرسی هم بدست نوشته اند اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت در ایران میتوانست هفته برگزاری سمینارهای متعدد و سخنرانی های متعددی باشد که همزمان در کشورهای مختلف نیز برگزار میشدند. با اینحال در شرایط فعلی نیز در این هفته و برای بزرگداشت منصور حکمت و معرفی کارها و آثار او و شناختن و شناساندن او میتوان کارهای زیادی کرد، میتوان ابتکارات زیادی را بخرج داد و دهها کار مختلف را سازمان داد. ما از همه کسانی که به این مناسبت کاری انجام میدهند میخواهیم که آن را به ما اطلاع دهند تا خبر و گزارش آن را پخش کنیم. در شهرهای مختلف کردستان برای مثال میشود کارهای زیادی کرد. میتوان آثار منصور حکمت را که در سایه

او نیز موجود است ضبط کرد، یا آن را بصورت سی دی در آورد و در میان کسانی که می شناسید پخش کرد. میتوان از رفقای دور و بر خود دعوت کرد و در مورد یکی از نوشته های منصور حکمت بحث کرد. میتوان پوسترهای او را پخش کرد، میتوان در مورد مسائل مختلفی، مانند حقوق زن، حقوق کودک جلسه گذاشت و بحث کرد. میتوان در مورد مسال و مشکلات پناهندگی و حقوق پناهندگان در این روزها جلسه گذاشت. میتوان راجع به آزادی و برابری بحث کرد، میتوان راجع به سوسیالیسم و ضرورت لغو کار مزدی صحبت کرد، میتوان راجع به بازگرداندن اختیار انسان به انسان بحث کرد، مطلب نوشت و آن را توضیح داد. خلاصه میشود در این یک هفته دهها کار مختلف کرد که هر کدام آن به نوعی به بزرگداشت هفته منصور حکمت مربوط باشد. منصور حکمت حکمت بعنوان متفکری بزرگ و مارکسیست، سیاستمداری برجسته و کمونیست برای جامعه ایران و به تبع کردستان ایران و فراتر از

17 مه 2005

ناموس پرستی جان فرخنده فتحی را گرفت!

اطلاعیه کمیته کامیازان حزب کمونیست کارگری _ حکمتیست باکمال تأسف فرخنده فتحی توسط همسرش به جرم ناموسی به شیوه ای بسیار فجیع به قتل رسید. طبق خبر که به ما رسیده فرخنده فتحی جوان ساله اهل کامیازان که در تهران ساکن بود و تنها هفت ماه قبل ازدواج کرده بود، بطریق بسیار فجیعی توسط شوهرش به قتل میرسد. شوهر فرخنده در کمال وقاحت همسر خود را به جرم ناموسی سر برید و بیرحمانه جانش را گرفت.

جنازه فرخنده امروز در میان اندوه دوستان و عزیزانش و مردم کامیازان به خاک سپرده شد. به قتل رساندن فرخنده جنایتی هولناک بود. کشتن جوانی ۲۰ ساله به جرم اینکه کسی دیگر غیر از شوهرش را دوست داشته است، تف کردن به بشریت و مایه ننگ انسان است. در قرن ۲۱ و در سایه حاکمیت ارتجاع اسلامی، با تبعیت از سنت

و قوانین اسلامی کسانی پیدا میشوند که با چاقو انسانی را به جرم عشق و دوستی با کسی سر میبرند. این جنایت را هر کس مرتکب شده باشد غیر قابل گذشت است. اما قبل از هر کس جمهوری اسلامی مسول این جنایت و این قساوت است. حکومتی که سالیانه میلیاردها دلار هزینه میکند تا به فرهنگ اسلامی دامن زند، تا هر چه جنایت و وحشیگری است را به قانون تبدیل و به زور ارتش، سپاه، زندان و خیل مزدوران، آن را اجرا کند را نباید یک ثانیه تحمل کرد.

کمیته کامیازان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست ضمن تاسف فراوان، مرگ فرخنده عزیز را به دوستان و عزیزانش و به مردم شریف کامیازان تسلیت میگوید. ما این جنایت هولناک را شنیدنا محکوم میکنیم و مردم مبارز کامیازان را به اعتراض علیه چنین وقایع دلخراشی فراخوان میدهیم. اگر دادگاههای اسلامی با همین جرایم پوچ زنان و دختران را

سنگسار میکنند، آنوقت مسولیت تکرار این فجایع را در خونه و مدرسه و هر گوشه و کنار این مملکت و توسط هر مرتجعی را به گردن دارند. رژیمی که مردسالاری و آپارتاید جنسی از میانی هویتی آن است را نباید یک لحظه هم تحمل کرد. تنها راه خاتمه به جنایاتی از این نوع خاتمه به عمر ننگین حکومت اسلامی و محاکمه تمام سران آن به جرم جنایت علیه بشریت است.

کمیته کامیازان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اردیبهشت ۴ برابر بامه ۵

تلویزیون پرتو برنامه های روزانه خود را شروع کرد!

اکتبر این موفقیت بزرگ را به آذر مدرسی، مسئول پرتو و سایر دست اندرکاران آن، تبریک میگوید.

پرتو را ببینید و آن را به دیگران معرفی کنید!

برنامه های پرتو هر روز ساعت ۸ الی ۹ شب به وقت تهران از شبکه کانال یک پخش میشود!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اساس سوسیالیسم انسان است ...

انسانها، چرا که فقط در این قالب، یعنی بعنوان مبادله کنندگان کالاهای مختلف در نهاد بازار است که چهره و هویت مشخص هر انسان از او سلب میشود و بعنوان یک "فرد"، یک واحد انسانی حامل کالایی با ارزش مبادله، با انسانهای دیگر روبرو میشود. تنزل انسان به فرد در سرمایه داری لازم و اجتناب ناپذیر است زیرا انسانها باید منطق موقعیت اقتصادی خود را به اجرا دریاورند و این منطق را جایگزین تعقل و اولویت انسانی خود کنند. کارگر باید در پی فروش نیروی کارش باشد و پس از فروش کالا را به خریدار تحویل بدهد، یعنی برای او کار کند. سرمایه دار باید ضروریات انباشت سرمایه را به اجرا دریاورد. کارگر باید با فروشندگان کالای مشابه رقابت کند. سرمایه دار باید برای افزایش سهم خود از کل ارزش اضافه، باآوری کار و تکنیک تولید را مدام بهبود بدهد. باید به موقع بیکار کند و بموقع استخدام کند. در هر یک از این نقشها اگر انسانها بنا باشد اولویتها و تشخیصهای ماوراء اقتصادی خود را اعمال کنند مکانیسم اقتصادی سرمایه داری دستخوش اختلال میشود.

محلی تا سراسری، تامین کند، از نقطه نظر تفکر پارلمانی، "دموکراتیک" محسوب نمیشود. تبیین سیاسی از فردیت در نظام بورژوازی مشتق مستقیم تبیین اقتصادی آن است. اساس آن سلب هویت کثرت انسانها در حیات سیاسی جامعه است. با این مقدمات به سوالاتان در مورد شوروی برمیگردم. شوروی اقتصادی نبود که در آن انسان اصل قرار گرفته باشد و فردگرایی بورژوازی از این زاویه زیر منگنه قرار گرفته باشد. آنچه که این فردیت را در این سیستم نقض میکرد دست اندازی وسیع یک نظام اداری به مکانیسم بازار بود. وقتی مفسر غربی به نقض فردیت و فردگرایی در شوروی اشاره میکند اعتراض اساسا به سیستمی است که در آن مالکیت خصوصی به سرمایه بشدت محدود شده است و لاجرم ارباب صنایع نه از منطق اقتصادی بازار، بلکه از تصمیمات یک نظام اداری تبعیت میکنند. بعبارت دیگر سرمایه فاقد محمل های انسانی فردی و خصوصی متعدد است، و ثانيا، کارگر شوروی علیرغم اینکه از نظر سیاسی در برابر سیستم اداری مطلقا امتیزه و منفرد شده است، از نظر اقتصادی بعنوان یک فروشنده منفرد و در حال رقابت با کارگران دیگر ظاهر نمیشود. اینکه سیستم اداری بطور کلی میکوشید بر مبنای محاسبات اقتصادی خود مانند بازار، آحاد سرمایه را به عرصه های سودآورتر کاتالیزه کند و یا راسا ارزش نیروی کار را در حداقل ممکن نگاه دارد، از نظر بورژوازی نمیتوانست جای تقابل آزادانه و رقابت آمیز سرمایه ها و تقابل کار و سرمایه در یک بازار کار رقابتی را بگیرد. شعار اصالت فرد در برابر مدل شوروی شعاری علیه این سیستم اداری به نفع آزادی سرمایه خصوصی و گسترش رقابت و افراد اقتصادی کارگران در بازار کار بود. همانطور که گفتم این سیستم اداری دیگر قادر نبود نقش پیچیده و متنوع بازار را به عهده بگیرد و بخصوص نمیتوانست انقلاب تکنیکی که در سطح کشورهای صنعتی جهان در جریان بود را به اقتصاد شوروی تعمیم بدهد. بنظر من هم، با این

محمل اصلی توسعه تکنیکی در این نظام است، اما این را هم باید گفت سرمایه داری بقاء خود را مدیون این واقعیت هم هست که خود بورژوازی مستمرا و در مقاطع تعیین کننده دامنه این رقابت و فردیت را محدود کرده و به دخالتهای اقتصادی و ماوراء اقتصادی نهادهای اداری و دولتها در این سیستم تن داده است. بحرانهای اقتصادی با عواقب ویرانگر و رکودهای حاد همانقدر ذاتی سرمایه داری است که بهبود دائمی تکنولوژی و انباشت سرمایه داری از این طریق خود را بازسازی و تفسیه میکند. نیاز بورژوازی به کنترل دامنه این بحران ها و از آن مهم تر ضرورت حفظ نظام بورژوازی از لحاظ سیاسی در مقابل مبارزه طبقه کارگر، احزاب و دولتهای بورژوازی را ناگزیر کرده است تا مستمرا از بالا در اقتصاد دخالت کند و تعدیلاتی به مکانیسم بازار تحمیل کند. تاچریسم و مانترایسم دهه هشتاد در مقابل یک سنت قدرتمند کینزی و سیاستهای سوسیال دموکراتیک که به دخالت مهم دولت و نقش هزینه های دولتی در رشد اقتصادی تاکید میکردند علم شد و بنظر میرسد امروز خود در جریان عقب نشینی است. بهرحال منظورم اینست که پذیرش نقش محوری رقابت و بازار در توسعه تکنیکی سرمایه داری هنوز به این معنی نیست که حتی خود بورژوازی بقاء سرمایه داری و رشد آن در دراز مدت را در بازار آزاد و رقابت کامل جستجو میکند و یا قیلا بر این مینا حرکت کرده است. بازار آزاد و رقابت کامل و فردگرایی اقتصادی افراطی مورد ادعای راست جدید همانقدر پا در هوا و غیر واقعی است که ایده سرمایه داری برنامه ریزی شده و فاقد رقابت. در مورد سوسیالیسم و فرد، یا بهتر بگویم سوسیالیسم و انسان، زیاد میشود صحبت کرد. مارکس تا امروز جدی ترین و عمیق ترین منتقد مسخ انسانیت در جامعه سرمایه داری بوده است. اساس مبحث فیتیشیم کالایی در کتاب سرمایه نشان دادن این واقعیت است که چگونه سرمایه داری و تبدیل تولید و مبادله کالاها به محور مناسبات متقابل انسانها مبنای از خود بیگانگی و بی چهرگی انسان در جامعه سرمایه

داری است. سوسیالیسم قرار است این هویت را به انسانها برگرداند. شعار از هر کس به اندازه قابلیتش و به هر کس به اندازه نیازش، تماما مبتنی بر برسمیت شناختن و تضمین حق خود هر انسان در تعیین جایگاهش در حیات مادی جامعه است. در جامعه سرمایه داری انسان اسیر قوانین کور اقتصادی است که مستقل از تفکر و تعقل و تشخیص او، سرنوشت اقتصادی او را تعیین میکنند. همانطور که گفتم فرد در تفکر بورژوازی یعنی انسان سلب هویت شده، انسان از خودبیگانه، انسانی که تمام مشخصات ویژه و کیفیات فردی خاص او از او تکانده شده و لذا میتواند بصورت یک "راس" انسان به محل زنده این یا آن رابطه اقتصادی و نقش تولیدی تبدیل بشود. خریدار یا فروشنده یک کالای معین. اتفاقا این جامعه سرمایه داری است که انسانها را به این شیوه استاندارد میکند و همه را با هم شبیه الگوهایی میکند که تقسیم کار اقتصادی بدست داده است. در این نظام ما نه انسانهایی معین با زاویه دید فردی خود به حیات، با روانشناسی و روحیات و عواطف خاص خودمان، بلکه اشغال کنندگان پستهای اقتصادی خاصی هستیم. ما واسطه های جاندار در مبادله کالاهای بیجانیم. ما را، حتی در روابط نزدیک شخصی و عاطفی با افراد دیگر در جامعه، در درجه اول با این مشخصه مان میشناسند. چکاره هستیم، قدرت خریدمان چیست، طبقه مان چیست، شغل مان چیست. بر مبنای این موقعیت اقتصادی، یعنی بر مبنای رابطه مان با کالاها، دسته بندی و قضاوت میشویم. جامعه سرمایه داری مدل و قیافه زندگی هر یک از این دسته بندی ها را هم بدست داده است. چه میخوریم، چه میپوشیم، کجا زندگی میکنیم، از چه خوشحال میشویم، از چه میترسیم، رویا و کابوسمان چیست. سرمایه داری بدوا هویت انسانی ما را سلب میکند و بعد خودش ما را با هویت های استاندارد اقتصادی که به ما الصاق کرده است به هم معرفی میکند. در مقابل، سوسیالیسم جامعه ای است که در آن انسان بر مقدرات اقتصادی خود غالب میشود. از چنگ قوانین کور اقتصادی رها میشود و خود

آگاهانه فعالیت اقتصادی خود را تعریف میکند. تصمیم با انسانها است و نه با بازار و انباشت و ارزش اضافه. این، یعنی رهایی کل جامعه از قوانین کور اقتصادی، شرط رهایی فرد و اعاده انسانیت و خودویژگی انسانی هر فرد است. تمجید سرمایه داری از فردیت در واقع تمجید امتیزه شدن انسانهاست. توده انسانها در نتیجه آنچنان سیال و انعطاف پذیر میشوند که میتوانند بر حسب نیازهای اقتصادی سرمایه به اینسو آن سو پرتاب بشوند. دقت کنید ببینید بورژوازی کجا یاد فردیت و حقوق فردی میافتد. در مقابل تلاش برای هر نوع برنامه ریزی اقتصادی که محل مکانیسم بازار باشد و پای اولویتهای اجتماعی ماوراء اقتصادی را به میان بکشد. با بحث فردیت و آزادی انتخاب فردی به جنگ بیمه درمانی دولتی، مدارس دولتی، مهد کودکیها، خدمات رفاهی عمومی، ممنوعیت اخراج، بیمه بیکاری و غیره میروند. همینطور علیه اتحادیه ها و تشکلهای کارگری، زیرا این تشکلهای کارگر را، حال به هر درجهای، از امتیزه بودن بیرون میاورند و دامنه رقابت فردی در میان آحاد فروشنده نیروی کار را کاهش میدهند و به نحوی از انحاء تشخیص انسانهای معین در مورد سطح دستمزد و شرایط کار و غیره را به معادلات لخت و عور بازار تحمیل میکنند. درست جایی که کارگر و شهروند میخواهد انسانیت خود را اعمال کند و از موضوع پرسنسیها و نیازهای انسانی خود و جامعه خود تصمیم اقتصادی بگیرد. بنظر بورژوا فردیت خود را نقض میکند. همین گواه معنی واقعی اصالت فرد در سرمایه داری است.

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالبهای از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است.



<p>کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست</p> <p>دبیر: حسین مرادیبگی (حبه سور)</p> <p>h_moradbiegi@yahoo.com Tel: 00447960233959</p>	<p>اکتبر</p> <p>چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!</p>	<p>اکتبر</p> <p>سردبیر: عبدالله شریفی</p> <p>sharifi_abdollah@yahoo.com Tel: 00467369752 26</p> <p>دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی</p> <p>esmail.waisi@gmail.com</p>
--	---	---

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بپیوندید!

جوابی دندان شکن به ارتجاع در دانشگاه آزاد سنندج

نخواهند شد و بانیان و مجریان این قوانین توهین آمیز باید رسماً و کتبا از دانشجویان عذر خواهی کنند.

این بار هم دانشجویان با اتحاد و تحسن، قدرت و توان خود را در مقابل مرتجعین به نمایش گذاشته و آنها را وادار به تسلیم نمودند.

دانشجویان یک روز قبل از تحصن با انتشار فراخوانی با این مضمون که جدایی درب ورودی دانشگاه، توهین به دانشجو و ترویج تبعیض جنسی است، دانشجویان را به تجمع و اعتراض دعوت کرده بودند، و روز بعد راس ساعت ۱۱:۳۰

تحصن با تجمع دانشجویان در محوطه دانشگاه شروع شد. دو بیانه از طرف دانشجویان دانشکده ها ایراد گردید که رییس دانشگاه را وادار به جواب دادن و عذر خواهی از دانشجویان کرد.

اینان هنوز در توهم محض اند و نمی دانند که جنبش دانشجویی زنده، پویا و با عزمی جزم راه و روش خود را دارد و هیچ توهین و تحقیری را بی جواب نخواهد گذاشت. به راستی که اینان در میان ما جوانان جایی نداشته و ندارند و باید بروند. اینها دیگر زیادی مانده اند و تاریخ مصرفشان گذشته است.

دانشجویان و جوانان هوشیار! بیایید تا در کنار هم، یک بار برای همیشه جامعه را از شر این جانان رها کنیم.

مرگ بر مرتجعین اسلامی زنده باد آزادی و برابری
21 اردیبهشت 84

فرهاد رحیمی

چند روز پیش که به درب ورودی دانشگاه رسیدیم با چند تا از رفقا بودیم و در کمال ناباوری متوجه شدیم که ورودی دخترها و پسرها را جدا کرده بودند! از نفرت لبریز شدیم. با خودمان گفتیم این احمق ها فکر نکرده اند که با چه واکنشی روبرو خواهند شد؟! و درست حدس زده بودیم.

نمی دانم واقعا بانیان و حامیان این قوانین مسخره چگونه به خود اجازه می دهند که اینگونه به قشر دانشجو توهین کنند، حتی درب دانشگاه هم شر شر عرق می ریخت!

بله بار دیگر مرتجعین با وارد کردن قوانین عقب مانده شان در دانشگاه در صدد پیش برد اهداف شومشان بودند که این بار با نفرت و اعتراض دانشجویان در دانشگاه آزاد مواجه شدند. دانشجویان سریعاً واکنش خود را به شکل تحصن در محوطه دانشگاه نشان داده و جوابی دندان شکن به این قوانین متحجرانه و عاملان متحجر تر آن دادند.

دانشجویان با در دست داشتن پلاکادهایی با مضامین: لغو آپارتاید جنسی، آزادی نشریه و مطبوعات و آزادی مباحث و سمینار های سیاسی و ... در تحصن امروز متحد و مصمم به این تحقیر پاسخ دادند و اعلام کردند که دیگر به هیچ وجه تسلیم این قوانین مزخرف

این ترفند رژیم اسلامی را خنثی کنیم!

تنها شایسته رفتن است. مردم زمانی انتخابات خواهند کرد که این رژیم را سرنگون کرده باشند.

مردم کردستان، جوانان و زنان جامعه کردستان، باید هوشیارانه این ترفند و ترفندهای احتمالی دیگر را خنثی کنند.

البته این پرسشنامه ها تاکنون در مدارس و محلات پاره و در سطل آشغال ریخته شده اند، مردم این پرسشنامه ها به جایی فرستاده اند که سزاوارشان بود. اما این هنوز کافی نیست، باید مردم هم حمله مقابل خود را با برچیدن بساط تبلیغاتشان شروع کنند، نباید منتظر روز صندوق چرخانی رژیم شد، بایست از هم اکنون کاری کرد که صندوق چرخانی را ناممکن کرد.

باید نیروی متحد مردم در محله و مدارس و محل کار را علیه کل این حکومت ضد انسانی برای رهایی، به میدان کشید.

۱۷ مه ۲۰۰۵

تحریم انتخابات گامی عقب تر از موقعیت شکننده رژیم است. این دوره، دوره وسوسه، منتظر ماندن و ساکت نشستن و نظاره کردن نیست. ماندن در چوار چوب چنین حالاتی، ما را به هدف سرنگون کردن رژیم نزدیک نخواهد کرد. از همین حالا باید برای ساختن فضای متناسب با اهداف مردم تلاش کرد و با عمل سازمان یافته فضای انتخابات این دوره را به فضای سرنگونی رژیم تبدیل نمود. باید به خیابانها آمد و صندوق های این مضحکه انتخاباتی را در هر کوچه و محله و روستایی روسر سران و مزدوران رژیم در کردستان خراب کرد و نگذاشت هیچ جایی آفتابی شوند. سران آدمکش رژیم جنایتکار ایران دشمنان انکار نا پذیر مردم آزادیخواهند و طی ۲۶ سال اخیر آنها با کشتار و سرکوب و گرسنگی مردم در تاریخ ثبت کرده اند. باید از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را نمود و با اتکا به آن سنگر محکم تری را برای تعرض بعدی جنبش آزادیخواهی و سرنگونی طبلی ساخت و پیش رفت.

۱۳ ماه مه ۲۰۰۵

کرد، مشتری جز نیروهای مزدور خود ندارند. حساب دستشان آمده است، هراس روزهای در پیش آنها را وادار کرده است تا با روش ها و ترفندهای دیگر شانس خود را آزمایش کنند.

مردم کردستان خوب جمهوری اسلامی را می شناسند، مردم به قاتلان و شکنجه گران، به عاملان فقر و فلاکت و بی حقوقی خود رای نمی دهند. مردم کارشان و فعالیشان را برای کم کردن شر این جنایتکاران بکار میگیرند. این انتخابات نیست، این نمایش تحقیر و سرکوب مردم است، کسانی که با سنگسار و کشتار و سرکوب و جهل و خرافه سرکارند، نه تنها نماینده مردم نیستند بلکه ضد مردم و زندگی آنها میباشند. در کشوری که دولتش، آزادی، حقوق شهروندی را با سرکوب، خواست رفاه طلبی مردم را با فقر و بیکاری و محرومیت، آزادی فرهنگی و اجتماعی را با سنگسار و زندان جواب میدهد،



مریم افراسیابپور

بعد از ناکامیهای رژیم اسلامی حول تبلیغات نمایش "انتخابات" در شهرهای کردستان، نیروهای جمهوری اسلامی در مدارس و محلات چند شهر، اقدام به پخش پرسشنامه های ویژه "انتخابات" کرده اند. در این پرسشنامه ها سوالاتی درج شده است تا از این طریق فضای عمومی را ارزیابی کنند و به خیال خام خود فکری به حال بازار کساد رای گیریشان کرده باشند. عوامل جمهوری اسلامی در کردستان بسرعت متوجه نفرت مردم شده اند، میدانند که رژیم در شهرهای کردستان امنیت چندانی ندارند، گشت ستاد تبلیغاتشان به چند شهر معلوم

اکتبر میپرسد...

آن سران دولت های غربی را هم با رژیم اسلامی ایران سهیم کرده است. آمریکا و اروپا از بن بست و عدم کارایی حکومت گمارده شده خود بر گرده مردم ایران بشتند نگراند و میدانند مهار جنبش بپا خواسته علیه آن امری ساده و شوخی بردار نیست. سران دول غرب خوب میدانند سقوط رژیم اسلامی ایران توسط مردم، تنها به کنار زدن سران آدمکش رژیم بسنده نخواهد کرد میروند تا کل ارکان مذهبی و ارتجاعی رژیم را در هم کوبد و ریشه آنها در سطح منطقه بشکند. با توجه به آن، فکوس کردن مردم رو پیامد های انتخابات این دوره و تشخیص درست و بموقع آنان یکی از اهداف بسیار مهم و حیاتی آنها است. بدخلت کردن و نگاه کردن به فضای انتخاباتی این دوره از دریچه تبلیغات عوامفریبانه و ریاکارانه دو جناح رژیم خطا ست. مقایسه کردن جلدان و آتمکشانی چون رفسنجانی و قالیباف و کروی و معین و لاریجانی و رضایی و امثالهم و..... کاری بسیار عبث و بیهوده است و نباید به چنین

به مناسبت هفته منصور حکمت

منتشر میشود

منتخب آثار

منصور حکمت

در ۱۸۰۰ صفحه شامل اسناد، سخنرانی ها و

نوشته های منتشر نشده

ادیتور ایرج فرزاد

قیمت پیش فروش ۲۰ پوند استرلینگ

برای پیش خرید به میزهای کتاب حزب مراجعه

کنید یا مستقیماً با ما تماس بگیرید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

خادمان بازنده ...

فضای اعتراضی ۸ مارس و اول مه، موازنه را چنان به نفع خود تغییر داده بودند که حتی نیروی ناسیونالیستی کرد هم علیرغم میل خود امکان دست گیری این بیچارگان را نداشت. حرارت نفرت و انزجار مردم علیه رژیم اسلامی در این دوره، زمین زیر پای این پادوهای نظام اسلامی را داغ کرده است.

در همان تحركات اولیه سر دسته این جماعت عبدالله رمضان زاده را که قرار بود هم سخنگوی دولت و هم سخنگوی قوم کرد جا بزنند، با یک تهدید از جا کنده شد. رئیس این دسته با تهدیدی مصادره شد. مهره های شناخته ترشان مانند بها ادب هم راهش را جدا کردند، این تغییرات ریزش دیگری در صفوف همین گروه را تسریع کرد. لاشه مرده اصلاح طلبی اسلامی را که حتی ایدئولوگهای اصلی تر این "گفتمان" نیز از تغییر ساختار سیاسی دم میزنند را بر دوش اینها انداختند و رها کردند!

رژیم اسلامی با تصویب طرح تقسیم کشور به ایالات اسلامی و وعده وزرای ایالات، محتوی فعالیت انکا به "اقوام" را برایشان تهي کرد، تازه شناس وزیر شدن در ایالات اسلامی را هم از دست دادند! در این میان نتیجه گاویندی بیت امام و حرم آقا" هم، رفسنجانی را به بازار عرضه کرد، تازه برایشان معلوم شد که سران رژیم هم، در معادلات درونی، بر سر اسب بازنده شرط نخواهند بست.

این فاکتورها را ضریب فضای اعتراضی جامعه ایران کنید و سرنوشت مضحک این دسته را

به تماشا بنشینید امروز در تهران و شهرهای بزرگ ایران جو ضد "انتخابات" چنان بالا است که مردم در اماکن عمومی در کوچه و بازار در محله و محل کار، شناخته و نا شناخته، به همدیگر توصیه تحریم و شرکت نکردن در مزحکه انتخاباتی رژیم را سفارش میدهند.

در شهرهای کردستان به دلایل تاریخی تر، این فضا دامنه و شدت بیشتری دارد، ما بارها گفته ایم تحریم کافی نیست، باید بساط انتخاباتشان را بر سرشان خراب کنیم، باید از شهر و محلات فراریشان دهیم.

مردم ایران، انتخاباتشان را کرده اند، مردم انتخاباتشان رفتن و برچیدن نظام اسلامی است. انتخابات ما مردم بعد از سرنگونی رژیم اسلامی است. جو عمومی به نفع مردم است، این دوره باید مردم، متحد، حول شعار آزادی و برابری، بار دیگر به کلیت نظام اسلامی "نه" بگویند.

مردم شهرهای کردستان میتوانند و بایست، از هم اکنون هر جا که سروکله این جانپان و خادمان رژیم اسلامی پیدا شد جوانان مدارس و محلات را خبر کنند و بساطشان را روسرشان خراب کنند. نباید به عناصر رژیم به خادمین شکست خورده نظام اسلامی، به جریان موسوم به اصلاح طلب کرد، مجال داد جایی آفتابی شوند، جلسه بگیرند و برای تداوم عمر ننگین نظامشان تبلیغ کنند. روزهای زور آزمایی تعیین کننده در پیش است، ما مردم باید در همین مصافها نیروی خود را متحد و منسجم، برای تعیین تکلیف اساسی تر قدرتمند کنیم. ۲۰۰۵ ۱۷ مه

عراق، کردستان عراق، سناریوهای پنهان ...

انتحاری و انفجاری منفجر کردن مراکز تصفیه نفت به صدر اخبار منطقه تبدیل شد. ژورنالیسم غرب و شبکه های خبری بورژوازی به تدریج حکم بی خاصیتی دولت "پریزیدنت" طالبانی را صادر کردند. واشنگتن پست در تفسیر خود به مناسبت دیدار رایس از عراق نوشت که دورنمای تدوین و تهیه قانون اساسی جدید عراق حتی تا پایان مهلت دولت ابراهیم الجعفری در چشم انداز نیست. معضل را ناتوانی در جلب اعتماد "سنی" ها فرموله کردند. از رایس در مورد زمان خروج ارتش آمریکا سوال شد، پاسخ مبهم و ناروشنی داد: فعلا تا تربیت نیروی پلیس بومی و ارتش عراق میماند! در هر حال آنچه که میتوان پیش بینی کرد، تارک شدن دورنمای عراق چه با فرض تداوم حضور ارتش آمریکا و چه پس از دوره نامعلوم خروج این نیرو از عراق است. در بطن چنین اوضاعی کارشناسان و استراتژیست های دولت آمریکا، از احتمال تجزیه عراق به سه کشور اسم برده اند. فعلا همه، آمریکا، اسلام سیاسی و مردم و نیروی مردم و جبهه نجات مدنیت عراق هر کدام راه حل خود را دارند.

توزان نیروها نشان خواهد داد که عراق بطور واقعی به کدامین سو سیر خواهد کرد. اما در این میان سرنوشت کردستان عراق، به عنوان منطقه ای که محل تلاقی چندین معضل اجتماعی و چند سناریو است، ویژگیهایی دارد. در اینجا دو مشکل یعنی مساله حل نشده کرد و مساله بلاتکلیفی وضعیت مدنی به صفحه معادلات و

اوضاع ناپایدار و سناریو سیاهی سراسری اضافه شده است. بحث تجزیه عراق و احتمال تشکیل سه دولت، بطور مشخص تر در کردستان عراق در این روزها و در سناریو طراحان استراتژیک دولت آمریکا، لاقال تلویحی و غیر رسمی به میان آمده است.

مساله این نیست که چنین سناریوئی قطعی است، چرا که فاکتورهای سیاسی در سراسر عراق و در کردستان مدام در حال تغییر بوده اند، اما در صورتی که آمریکا نتواند دولت سراسری و واحد مورد نظر خود را در عراق تثبیت کند، آنوقت امکان شیفت کردن به ایجاد شبه دولتی در کردستان عراق، دور از ذهن نیست. فاکتورهایی که در این رابطه میتواند دخیل باشند و در سرنوشت مردم کردستان را در معرض تضاد منافع داخلی و دخالت دولتهای منطقه قرار دهد، باید مورد توجه و دقت مردم کردستان عراق و نیروهای سیاسی مسئول و آزادیخواه قرار گیرند.

به نظر میرسد دولت آمریکا بطور دوفاکتو حزب دمکرات کردستان عراق را برای این سناریو احتمالی در نظر گرفته باشد و همه شواهد، از دیدار رایس با بارزانی گرفته و تا دیدارهای نسبتا رسمی دیگر مقامات نظامی آمریکائی با او، به عنوان نماینده مردم کردستان عراق، حاکی از این است که اتحادیه میهنی و حزب آقای جلال طالبانی کاندیدای مناسبی برای این سناریو تشخیص داده نشده است. این مساله با توجه به روابط دیرین تر جریان

وابسته به طالبانی با رژیم اسلامی و ظرفیت معامله سیاسی به ثمن بخش که او از خود نشان داده است، میتواند منشا یک کشمکش درونی و سر باز کردن رقابتهای دیرین تر اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق بر سر رهبری "جنبش" کردستان و کاندیداتوری چنین دولت احتمالی باشد، میتواند به تبع آن پای دولتهای منطقه و بویژه جمهوری اسلامی را به اتفاقات و حوادث و تحولات سیاسی در کردستان عراق باز کند. به نظر من، آمریکا در تدارک پیاده کردن چنین سناریو احتمالی، به انکای منافع استراتژیک تر خود و غرب، در تقابل با اسلام سیاسی، میتواند و شاید هم تاکنون قادر شده باشد که دولت ترکیه را از نشان دادن حساسیتهای ناشی از تعقیب پان ترکسیم و منافع محدود خود باز بدارد.

در هر حال صحنه سیاسی و اجتماعی درعراق بطور سراسری و در کردستان بطور منطقه ای دارد در نتیجه به شکست رسیدن آمریکا در تثبیت یک دولت مرکزی و سراسری، بروی سناریوهای تازه تر و با پیچیدگیهای ویژه خود باز میشود. مساله این است که در این رابطه هشاری سیاسی را حفظ کرد و روندها و سیر محتمل آنها و سناریوهای پنهان، اما تا حدی بروز علنی یافته را تشخیص داد. دفاع از منافع مردم و حقوق مدنی آنها و مبارزه برای تضمین حقوق مردم در تعیین سرنوشت جامعه و در تعیین نظام حکومتی و آمادگی در برابر مخاطرات جدید، کماکان مساله روزنیروهای آزادیخواه جامعه عراق و کردستان عراق است.

به کارگران و تشکلهای کارگری سندج

مظفر محمدی

و روزمره شده است. آنها یکی یکی کارخانه ها و کارگران هر بخش را به تنهایی از پا در میآوردند و به گرسنگی تهدید میکنند. باید جلو این تعرض را سد کرد. نه تنها باید جلو این تعرض را گرفت بلکه میتوان و باید حقوق خود را از حلقوم این جانوران مفتخور بیرون کشید!

زنده باد همبستگی طبقاتی
کارگران!

قرار دارند میتوانند به کمک این همکاران خود بروند. باید کارفرمای کارخانه آلومنیوم سازی را مجبور کرد که این کارگران را به سر کار بازگرداند. این کارگران همچنین از حمایتی بین المللی کارگری برخوردار خواهند بود. کارگران کارخانه آلومنیوم سازی سندج باید به سر کار خود باز گردند. کارفرماها و مدیران نوکرشان حق ندارند حقوق انسانی و مسلم این کارگران را زیر پا بگذارند. دوستان کارگر! همکاران و هم طبقه ایهایتان را تنها نگذارید. اخراج و تعرض پی درپی سرمایه داران و دولت به کارگران امری دایم

قراردادی هیچ حقوقی شاملشان نمیشود! همچنین مسوولین کارخانه به تجمع کارگران و خانواده هایشان روز شنبه در جلو کارخانه هیچ اعتتایی نکرده اند. کارگران و خانواده هایشان میخواهند به تجمع در جلو اداره کار و ادارات دولتی از جمله استانداری ادامه دهند. با وجود این تلاشها، کارگران این کارخانه تنها امیدشان به حمایت هم طبقه اییشان است. سندیکای خبازان، کارگران نساجی، شاهو، پریس و هزاران کارگر کارگاههای بزرگ و کوچک که خود تحت فشار بیحقوقی

دوستان! کارفرمای کارخانه آلومنیوم سازی بخش رادیاتور واقع در جاده سندج همدان، 84 کارگر رسمی و قراردادی این کارخانه را اخراج کرده است. مدیریت کارخانه از 5 شنبه قبل حکم اخراج کارگران را به دستشان داده است. این عوامل سرمایه اعلام کرده اند که تنها به 10 کارگر رسمی کارخانه معادل 4 سال حقوق و بر اساس سالی 4 ماه خسارت پرداخت کرده و بقیه 73 کارگر